رودررو

اهداف و کارکردهای عتف درگفت‌وگو با «اکرم قدیمی» مسئول علم و پژوهش در بالاترین سطح در کشور

کرده علم، شورای‌عالی علوم، تحقیقات و فناوری (عتف)، یکی از نهادهایی بود که با ایده درستی شکل گرفت، اما درعمل نتوانست به همه آنچه برایش برنامه‌ریزی شده بود، دست یابد. برای ارزیابی وظایف و عملکرد عتف، با خانم دکتر اکرم قدیمی، عضو هیات‌علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، گفت‌وگو کردیم که درادامه با هم می‌خوانیم:

■ با توجه به اینکه ما چندین نهاد و سازمان دیگر در زمینه علم و فعالیت‌های علمی و پژوهشی داریم، آیا اصلا لازم بود که نهاد یا سازمانی به نام عتف پدید آید؟

بله. ما نهادها و سازمان‌های دیگری هم در زمینه تحقیقات و فناوری داریم، اما شورای عتف در راستای اجرای ماده ۹۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با هدف اصلی انسجام‌بخشیدن به امور اجرائی و سیاست‌گذاری نظام علمی، تحقیقاتی و فناوری کشور، قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تدوین شد و در تاریخ ۱۳۸۳/۵/۱۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. درحقیقت عتف با این هدف تشکیل شد که بین همه نهادهای مرتبط در این حوزه هماهنگی ایجاد کند. حتی تغییر عنوان وزارت فرهنگ و آموزش عالی در راستای این هدف انجام شد و به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تبدیل شد.

شورای‌عالی عتف طبق ماده سه قانون برنامه سوم شورای‌عالی عتف با ماموریت راهبری و ارتقای کیفیت کشور و نظارت فرایخشی و هماهنگی بین‌بخشی در حوزه‌های علمی، فناوری و تحقیقاتی کشور و به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل شد. شورای عتف به‌نوعی کار با وظیفه‌اش این بود که در زمینه علوم و تحقیقات و پژوهش، سیاست‌گذاری، ارزیابی و هماهنگی بین همه سازمان‌ها و نهادهای علمی ایجاد کند. همزمان با تشکیل شورای عتف، شورای پژوهش‌های علمی کشور تعطیل شد تا عتف با قدرت کامل بتواند اهداف نظام علم و فناوری در کشور را محقق کند. اما در دولت نهم، قدرت عتف تنزل یافت و معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری تشکیل شد. این در حالی است که قانون تشکیل شورای عتف به تصویب مجلس شورای اسلامی هم رسیده است.

■ کفته می‌شود عواملی موجب شد که عتف نتواند به همه اهدافش دست یابد.

یکی از این عوامل تعدد نهادهای متولی علم و فناوری است که باعث می‌شود قدرت تصمیم‌گیری بخش یا توزیع شود، زیرا هم‌اکنون علاوه بر شورای‌عالی علوم، تحقیقات و فناوری (عتف)، معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری، شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و... را هم داریم که اهداف و وظایف‌شان با یکدیگر همپوشانی دارد. به همین دلیل تصمیم‌گیری در زمینه‌های مربوط به علم و تحقیقات در کشور ما تا حدودی دشوار می‌شود. در هیچ‌جای دنیا ما به این شکل، تعدد در زمینه نهادهای تصمیم‌گیرنده در یک موضوع خاص را نداریم. بلکه یک نهاد تصمیم‌گیرنده و دیگر دارد که سیاست‌گذاری و نظارت می‌کند. بیشتر سازمان‌های مدیریتی و نظارتی دنیا هم تا حدودی شبیه عتف هستند که رئیس آن نهاد، رئیس‌جمهور یا بالاترین مقام اجرائی هرکشوری است و بعد هم وزیر علوم یا عنوان دبیر هستند. درحال‌حاضر به دلیل این مشکل، برنامه‌ریزی و مدیریت در حوزه علم در کشور ما مشکل‌دار است. امید است درباره این مسئله چاره‌جویی شود.

■ در کشورهای پیشرفته‌تر آیا سازمانی و نهادی غیر از وزارت علوم به‌عنوان سیاست‌گذار تحقیقات و پژوهش وجود دارد؟

برای پاسخ به این سؤال می‌توان گفت در برخی از کشورها نهادی مانند عتف وجود دارد. اما در کشور ما علاوه بر عتف، نهادهای دیگری هم هستند. متاسفانه عتف در کشور ما مانند کشورهای پیشرفته جایگاه دقیق و تعریف‌شده‌ای ندارد. به‌نظر نیاز به بازبینی و طراحی مجدد دارد. پس باید برای حل یک مشکل بنیادی، راهکاری بنیادی هم اتخاذ شود.

■ به‌نظر شما، این راهکار باید چیست؟

به‌نظر من، راهکار واقعی اجرای نقش اصلی عتف به‌عنوان یک نهاد بالادستی است تا وظایف و مسئولیت‌های همه سازمان‌ها و نهادهایی که در حوزه علم و فناوری دخیل هستند را مشخص و از تداخل مسئولیت‌ها و وظایف ممانعت کند. این امر تحولی اساسی در نظام علم و فناوری ایجاد و درنتیجه به توسعه علمی کشور منجر می‌شود.

■ مأموریت‌ها، وظایف و مسئولیت‌های خود عتف چه میزان و روش نسبت و با وزارت علوم تا حدودی تداخل دارد.

با مراجعه به وظایف و مسئولیت‌های عتف می‌توانید پاسخ سؤال خود را پیدا کنید. عتف یک نهاد بالادستی است که فقط با خود وزارت علوم ارتباط ندارد، بلکه در همه زمینه‌های مربوط به علم و فناوری می‌تواند سیاست‌گذاری کند و به همین دلیل هم با وزارتخانه‌ها و نهادهای دیگر هم ارتباط دارد و یکی از وظایفش هم ایجاد هماهنگی با همه دستگاه‌های اجرائی در این زمینه است. به طور کلی می‌توان عتف را متولی علم و پژوهش در بالاترین سطح در کشور معرفی کرد.

■ با توجه به تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده در زمینه علم و فناوری، تعامل‌شان با یکدیگر به چه صورتی است؟

این تعامل در دوره‌های مختلف با فرازوفرودهایی همراه بوده است. برای مثال، در دولت قبل، معاونت علمی می‌گفت بخش فناوری به ما مربوط می‌شود و حوزه علم هم مربوط به وزارت علوم است. اما می‌دانیم علم و فناوری در هم‌جا با هم ارتباط تنگاتنگی دارند.

هم‌اکنون نیز با توجه به ارتباط‌هایی که بین وزارت علوم و معاونت علمی است، این تعامل‌ها بیشتر و بهتر شده است. خوب است این ارتباط و هماهنگی بین همه نهادها باشد و علاوه بر وضع قانون، به اجرای قانون هم بایند بود. درمجموع می‌توان گفت تا زمانی که تعدد تصمیم‌گیری‌ها را داریم، عتف نمی‌تواند نقشش را به‌درستی ایفا کند.

دیدبان

ساختار و تشکیلات عتف
نظارت فرابخشی

محمدرضا گلزار

شورای‌عالی علوم، تحقیقات و فناوری (عتف) که در سال ۱۳۸۳ تشکیل شد، یک نهاد فرابخشی است که کارش سیاست‌گذاری علوم، تحقیقات و فناوری کشور است. اولین جلسه این شورا در تاریخ ۱۳ اسفند سال ۱۳۸۳ به ریاست رئیس‌جمهور وقت تشکیل شد و به‌این‌ترتیب می‌توان گفت شورای‌عالی عتف، سابقه‌ای حدود ۱۰ ساله دارد. طبق ماده ۳ قانون یاد شده شورای‌عالی عتف با ماموریت راهبری و ارتقای توسعه علمی‌وفناوری کشور با رسالت سیاست‌گذاری و نظارت فرابخشی و هماهنگی بین‌بخشی در حوزه‌های علمی، فناوری و تحقیقاتی کشور و به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل شد. مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، سازمانی پژوهشی است که با اجرای پژوهش‌های بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای در سطح ملی و فرابخشی، به منظور توسعه فرایندها و برون‌داد‌های سیاست‌گذاری علم‌وفناوری کشور، ارائه خدمات پژوهشی و مشاوره‌ای به سازمان‌های تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار در حوزه علم‌وفناوری و نیز اشاعه نتایج پژوهشی در جهت ترویج تفکر علمی و توجه به پژوهش در جامعه فعالیت می‌کند. وظایف و اختیارات شورای‌عالی عتف در قانون به شکل زیر تعیین شده است:

۱- اولویت‌بندی و انتخاب طرح‌های اجرایی بلندمدت سرمایه‌گذاری کلان در بخش‌های آموزشی و پژوهشی و فناوری.

۲- بررسی و پیشنهاد منابع مالی مورد نیاز درحوزه‌های علوم، تحقیقات و فناوری.

البته علاوه بر وظایف تصریح شده برای شورای‌عالی عتف در قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وظایف دیگری برای شورای‌عالی عتف در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با هدف اصلی انسجام‌بخشیدن به امور اجرائی و سیاست‌گذاری نظام علمی، تحقیقاتی و فناوری کشور، قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تدوین شد و در تاریخ ۱۳۸۳/۵/۱۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. درحقیقت عتف با این هدف تشکیل شد که بین همه نهادهای مرتبط در این حوزه هماهنگی ایجاد کند. حتی تغییر عنوان وزارت فرهنگ و آموزش عالی در راستای این هدف انجام شد و به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تبدیل شد.

شورای‌عالی عتف طبق ماده سه قانون برنامه سوم شورای‌عالی عتف با ماموریت راهبری و ارتقای کیفیت کشور و نظارت فرابخشی و هماهنگی بین‌بخشی در حوزه‌های علمی، فناوری و تحقیقاتی کشور و به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل شد. شورای عتف به‌نوعی کار با وظیفه‌اش این بود که در زمینه علوم و تحقیقات و پژوهش، سیاست‌گذاری، ارزیابی و هماهنگی بین همه سازمان‌ها و نهادهای علمی ایجاد کند. همزمان با تشکیل شورای عتف، شورای پژوهش‌های علمی کشور تعطیل شد تا عتف با قدرت کامل بتواند اهداف نظام علم و فناوری در کشور را محقق کند. اما در دولت نهم، قدرت عتف تنزل یافت و معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری تشکیل شد. این در حالی است که قانون تشکیل شورای عتف به تصویب مجلس شورای اسلامی هم رسیده است.

■ کفته می‌شود عواملی موجب شد که عتف نتواند به همه اهدافش دست یابد.

یکی از این عوامل تعدد نهادهای متولی علم و فناوری است که باعث می‌شود قدرت تصمیم‌گیری بخش یا توزیع شود، زیرا هم‌اکنون علاوه بر شورای‌عالی علوم، تحقیقات و فناوری (عتف)، معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری، شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و... را هم داریم که اهداف و وظایف‌شان با یکدیگر همپوشانی دارد. به همین دلیل تصمیم‌گیری در زمینه‌های مربوط به علم و تحقیقات در کشور ما تا حدودی دشوار می‌شود. در هیچ‌جای دنیا ما به این شکل، تعدد در زمینه نهادهای تصمیم‌گیرنده در یک موضوع خاص را نداریم. بلکه یک نهاد تصمیم‌گیرنده و دیگر دارد که سیاست‌گذاری و نظارت می‌کند. بیشتر سازمان‌های مدیریتی و نظارتی دنیا هم تا حدودی شبیه عتف هستند که رئیس آن نهاد، رئیس‌جمهور یا بالاترین مقام اجرائی هرکشوری است و بعد هم وزیر علوم یا عنوان دبیر هستند. درحال‌حاضر به دلیل این مشکل، برنامه‌ریزی و مدیریت در حوزه علم در کشور ما مشکل‌دار است. امید است درباره این مسئله چاره‌جویی شود.

■ در کشورهای پیشرفته‌تر آیا سازمانی و نهادی غیر از وزارت علوم به‌عنوان سیاست‌گذار تحقیقات و پژوهش وجود دارد؟

برای پاسخ به این سؤال می‌توان گفت در برخی از کشورها نهادی مانند عتف وجود دارد. اما در کشور ما علاوه بر عتف، نهادهای دیگری هم هستند. متاسفانه عتف در کشور ما مانند کشورهای پیشرفته جایگاه دقیق و تعریف‌شده‌ای ندارد. به‌نظر نیاز به بازبینی و طراحی مجدد دارد. پس باید برای حل یک مشکل بنیادی، راهکاری بنیادی هم اتخاذ شود.

■ به‌نظر شما، این راهکار باید چیست؟

به‌نظر من، راهکار واقعی اجرای نقش اصلی عتف به‌عنوان یک نهاد بالادستی است تا وظایف و مسئولیت‌های همه سازمان‌ها و نهادهایی که در حوزه علم و فناوری دخیل هستند را مشخص و از تداخل مسئولیت‌ها و وظایف ممانعت کند. این امر تحولی اساسی در نظام علم و فناوری ایجاد و درنتیجه به توسعه علمی کشور منجر می‌شود.

■ مأموریت‌ها، وظایف و مسئولیت‌های خود عتف چه میزان و روش نسبت و با وزارت علوم تا حدودی تداخل دارد.

با مراجعه به وظایف و مسئولیت‌های عتف می‌توانید پاسخ سؤال خود را پیدا کنید. عتف یک نهاد بالادستی است که فقط با خود وزارت علوم ارتباط ندارد، بلکه در همه زمینه‌های مربوط به علم و فناوری می‌تواند سیاست‌گذاری کند و به همین دلیل هم با وزارتخانه‌ها و نهادهای دیگر هم ارتباط دارد و یکی از وظایفش هم ایجاد هماهنگی با همه دستگاه‌های اجرائی در این زمینه است. به طور کلی می‌توان عتف را متولی علم و پژوهش در بالاترین سطح در کشور معرفی کرد.

■ با توجه به تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده در زمینه علم و فناوری، تعامل‌شان با یکدیگر به چه صورتی است؟

این تعامل در دوره‌های مختلف با فرازوفرودهایی همراه بوده است. برای مثال، در دولت قبل، معاونت علمی می‌گفت بخش فناوری به ما مربوط می‌شود و حوزه علم هم مربوط به وزارت علوم است. اما می‌دانیم علم و فناوری در هم‌جا با هم ارتباط تنگاتنگی دارند.

هم‌اکنون نیز با توجه به ارتباط‌هایی که بین وزارت علوم و معاونت علمی است، این تعامل‌ها بیشتر و بهتر شده است. خوب است این ارتباط و هماهنگی بین همه نهادها باشد و علاوه بر وضع قانون، به اجرای قانون هم بایند بود. درمجموع می‌توان گفت تا زمانی که تعدد تصمیم‌گیری‌ها را داریم، عتف نمی‌تواند نقشش را به‌درستی ایفا کند.

لایحه وزارت علوم تحقیقات و فناوری در مردادماه سال ۸۳ تصویب و تبدیل به قانون وزارت علوم شد. این لایحه در حین تصویب و پس از آن دچار بسنی و بلندی‌های بسیاری شد که به استعفای وزیر علوم وقت، «مصطفی معین» انجامید. رئیس‌جمهور دولت وقت نیز به سرعت این استعفا را پذیرفت و در نهایت با سرپرستی دکتر «جعفر توفیقی»، شورای نگهبان تغییرات مدنظر خود را در لایحه اعمال کرد و قانون به تصویب رسید. بیشترین تغییرات مربوط به شورایی بود که بنا بود امر خطیر سیاست‌گذاری علم و فناوری کشور را برعهده گیرد، اما در قانون هرگز کلمه «سیاست‌گذاری» ذکر نشد. اینکه هیات دولت در این روزها در حال بررسی شرح وظایف تفصیلی این شوراست، بهانه‌ای شد تا ساعتی را به گفت‌وگو با دکتر «جعفر توفیقی» که از تدوین‌کنندگان لایحه و سرپرست وزارت علوم در زمان تصویب قانون بوده است، بگذرانیم. متن این گفت‌وگو به این شرح است.

■ بگذارید در ابتدا درباره سال ۸۳ و تصویب قانون وزارت علوم صحبت کنیم. شما در آن زمان سرپرست وزارت علوم بودید و لایحه وزارت علوم درمجلس در دست بررسی بود. اصولا چه شد که لایحه وزارت علوم تحقیقات و فناوری را تدوین کردید و به مجلس فرستادید؟

بحث تغییر و تحولات وزارت علوم تحقیقات و فناوری به اوایل شروع به کار دولت اصلاحات در سال ۷۶ باز می‌گردد. قبل از سال ۷۹، ما وزارت فرهنگ و آموزش‌عالی داشتیم. از سال ۷۶ به‌تدریج وزارت فرهنگ و آموزش عالی به این نتیجه رسید که توسعه آموزش‌عالی کشور، تحقیقات و فناوری با چالش‌هایی در حال مواجه‌شدن است. بنابراین باید فکر چاره‌ای کرد. یکی از این چالش‌ها این بود که در بحث توسعه فناوری، متولی مشخصی در کشور وجود نداشت. مستحضرید که زنجیره آموزش‌عالی کشور باید به توسعه فناوری و صنعت منجر شود. به عبارتی، تحلیل این بود ما در حوزه توسعه فناوری متولی سیاست‌گذاری نداریم. چالش جدی دیگری که با آن مواجه بودیم این بود که مدل توسعه آموزش عالی کشور یک مدل عرضه‌محور بود. یعنی اینکه متقاضیان محصولات آموزش‌عالی در برنامه‌ریزی‌های توسعه حضور نداشتند. به این معنا که شورای گسترش آموزش‌عالی که متولی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آموزش‌عالی کشور بود، عمدتاً نمایندگان دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی بودند درحالی‌که کالایی که آموزش‌عالی تولید می‌کند، مثل تربیت فارغ‌التحصیلان، یا پژوهش‌هایی که انجام می‌شود، برای یک بازار مصرف است. بنابراین جمع‌بندی ما این بود که مدل توسعه آموزش‌عالی کشور باید تعاملی باشد بین عرضه و تقاضا؛ بین عرضه‌کننده و متقاضی. تحلیل ما این بود که تاسیس رشته توسط وزارت علوم و پذیرش دانشجو در این رشته‌ها، بدون اینکه نظر و سفارش متقاضیان این رشته‌ها در نظر گرفته شود، کفایت نمی‌کند. چالش سوم نیز به بحث مدیریت و استقلال دانشگاه‌ها برمی‌گشت. مستحضر هستید که بعد از انقلاب، آموزش‌عالی کشور یک نیروی رقمه تمرگرایی را طی کرد و بسیاری از اختیارات دانشگاه‌ها که حتی قبل از انقلاب وجود داشت، از آنها سلب شده بود؛ مثلا هیات‌های امنا مدخل شده بودند. برنامه‌ریزی درسی، برنامه‌ریزی آموزشی، آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها متمرکز شده بود که در وزارت علوم و حتی نهادهای بیرون از وزارت علوم انجام می‌شد.

■ نهادهایی بیرون از وزارت علوم چه نهادهایی بودند؟

نهادهایی مثل شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و دانشگاه آزاد که خارج از وزارت علوم بودند. در دانشگاه آزاد، کمیته سه‌نفره‌ای داشتند که معجزه نشده می‌دادند و این می‌توانست ناهنجاری‌هایی را ایجاد کند.

■ برگردیم به هجان چالش‌هایی که به تدوین لایحه وزارت علوم منجر شد. بحث تمرکزگرایی در نظام برنامه‌ریزی هم را مطرح کردید.

بله، ما به این جمع‌بندی رسیدیم بودیم که توسعه علوم و فناوری یک بحث فرابخشی است و خیلی خوب است که بالاترین مقام اجرائی کشور، پرچم‌دار توسعه علمی باشد. وزارت علوم، همقطار سایر وزارتخانه‌ها بود و ممکن بود اگر سیاست‌هایی اتخاذ شود، در روند اجرا با سایر وزارتخانه‌ها دچار چالش شود. ولی وقتی یک رئیس‌جمهور در رأس یک نهاد سیاست‌گذاری قرار می‌گیرد، تبعیت دستگاه‌ها خیلی جدی‌تر می‌شود و می‌تواند یک موج ملی در کشور ایجاد کند. این مقدمات منجر به این شد که در ماده ۹۹ قانون برنامه سوم توسعه که در سال ۷۹ به تصویب رسید، این موضوع درج شود که از این تاریخ، وزارت فرهنگ و آموزش‌عالی به وزارت علوم تحقیقات و فناوری تبدیل می‌شود و وزارت علوم موظف است که تا شش‌ماه، شرح تفصیلی وظایف این وزارت را به مجلس ارائه کند. از سال ۷۹، دبیرخانه وزارت علوم مجموعه‌ای را تجهیز کرد که با استفاده از تجربیات جهانی و نظارت خبرگان و مطالعاتی که انجام شد، ساختار جدیدی را شامل اهداف، وظایف و ساختار آن به مجلس پیشنهاد کند. در آن زمان نیز «معین»، وزیر و من معاون آموزشی بودم که مسئولیت تدوین را بر عهده من گذاشته شد. من هم دبیرخانه‌ای را در مؤسسه پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزش‌عالی تجهیز کرد و نخبگان و کارشناسان را جمع کردیم و حسب مطالعات و تجربیات سایر کشورها و جلسات خبرگی و نخبگان و استفاده از جلسات کارشناسی، پیش‌نویس قانون جدید وزارت علوم تهیه شد.

■ آیا ماده قانونی منوط به برنامه‌های توسعه است، یا همیشگی است؟

این قانون در ماده ۱۰ قانون وزارت علوم نیز ضبت. ولی برای محکم‌کاری در برنامه توسعه نیز آمده است. هفته پیش شنبه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در برخی مواد توسعه ازجمله این ماده است که مصوب شده است به یک ماده دائمی تبدیل و از برنامه‌های توسعه مستثنی شود.

■ کفتید رئیس‌جمهور در رأس شورای‌عالی عتف

روسای دانشگاه‌ها که نمایندگان ظرف عرضه علم بودند. طرف بعدی نمایندگان جند وزارتخانه بزرگ صنعتی که متقاضیان مصرف کالا هستند، مثل وزیر نفت، وزیر ارتباطات و فناوری و وزیر صنعت یعنی جند وزیری که بیشترین میزان تقاضا برای محصول علمی تولیدشده در بخش عرضه علم و فناوری را دارند. رئیس بانک مرکزی نیز به‌عنوان کسی که باید پشتوانه‌های ارزی پروژه‌ها را تامین کند. در این شورا هست. هدف هم این بود که به برای جریان نقیصه عدم سیاست‌گذاری علم و فناوری در حضور ظرفیت عرضه و تقاضا، از هر دو بخش نمایندگانی حضور داشته باشند. به این منظور تعامل بین عرضه و تقاضا، باید شکل می‌گرفت و این موضوع در شورای‌عالی علوم، تحقیقات و فناوری محقق شد.

■ یک استقلال دانشگاه‌ها را در کجای لایحه مطرح کردید؟

در ماده ۱۰ این قانون، بحث استقلال دانشگاه‌ها از طرح طرحی هیات‌های امنای دانشگاه‌ها مطرح شده است. این موضوع مطرح شده است که هیات امنا مسئول امور دانشگاه‌ها هستند و اگر استخدام داشته باشید، در قانون برنامه چهارم بند اول ماده ۲۹ (که آن هم در دولت دوم اصلاحات مصوب شد)، از باب محکم‌کاری باز دیگر ماده ۱۰ وزارت علوم گنجانده شده است. در آنجا هیات‌های امنا احیا شدند. به‌نظرم یک‌جای بر اجرستیترین

یکی از اهداف ما از طراحی شورای‌عالی عتف این بود که با توجه به اینکه رئیس‌جمهور بالاترین مقام اجرائی کشور است و مصوبات شورا که با امضای او هستند، لازم‌الاجرا باشند. درواقع به‌نوعی در بحث توسعه علم و فناوری، شورا با ترکیبی که داشت، جایگزین هیات دولت می‌شد. وزیر علوم به‌عنوان نایب‌رئیس، نش و منزلت بالاتری پیدا می‌کرد.

■ تا جایی که در جریان هستم، شرح وظایف تدوین‌شده توسط وزارت علوم بیشتر از چیزی بود که امروز در قانون می‌بینیم. چه اتفاقی افتاد که این تغییرات در قانون لحاظ نشد؟

شرح وظایف شورای‌عالی در پیش‌نویس بیشتر از چیزی بود که الان در قانون موجود است. این تغییرات با مخالفت شورای نگهبان (با این استدلال که شرح وظایف شورای‌عالی عتف با شورای‌عالی انقلاب فرهنگی تداخل دارد)، انجام شد. درواقع پیش‌نویس ما یک سال پس از برنامه چهارم توسعه و در سال ۸۰ آماده بود. دکتر «معین» لایحه را به مجلس ارائه کردند و با تغییرات جزئی در مجلس تصویب شد. اما شورای نگهبان لایحه را رد کرد. زیرا تکلیف داشت با وظایف شورای‌عالی انقلاب فرهنگی تداخل دارد. ایشن موضوع به استعفای دکتر «معین» منجر شد و من مسئولیت وزارت علوم را برعهده گرفتم. سپس با شورای نگهبان بررسی این تداخل‌ها را شروع و بعضی را حذف کردیم. بنابراین اتفاق نمی‌بینید، حاصل تلاش ما برای جلب‌نظر شورای نگهبان با حذف و اصلاح برخی تداخل‌ها و واژه‌هاست تا اینکه در مرداد ۸۳ این قانون به تصویب رسید.

■ ایشن چند درصد از کل پیش‌نویس بود؟ چقدر پیش‌نویس تغییر کرد؟

حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد پیش‌نویس تغییر کرد.

■ از چه نظر؟ هم اختیارات و هم اجرا؟

از لحاظ اجرا، خودش اختیار تغییر نکرد. بلکه از نظر فضای سیاست‌گذاری و تعیین استراتژی‌ها شورای‌عالی انقلاب فرهنگی معتقد بود که این موضوعات در حیطه اختیارات آن است. تغییر کرد.

■ آیا به‌این‌ترتیب شورای‌عالی انقلاب فرهنگی در جایگاهی بالاتر از شورای‌عالی عتف قرار گرفت؟

خیر. اینها در دو محیط متفاوت هستند. شورای‌عالی عتف در خروج مجربه و شورای‌عالی انقلاب فرهنگی خارج از حوزه مجربه است. واقعیت این است ما این‌قدر کمک در تئوری داریم که این بحث اختلاف‌نظر داشتیم. در عمل مشکلی پیش نمی‌آمد. می‌خواهم بگویم با همین قانون هم که تصویب شد و برخی تداخلات حذف‌شده، باز هم وزارت علوم سیاست‌گذاری خود را انجام می‌دهد و کار را جلو می‌برد. یعنی بیشتر در عالم تئوری این اختلافات وجود داشت.

■ بنا بر کفته‌های خود شما، بعضی از سیاست‌گذاری‌ها را شورای‌عالی انقلاب فرهنگی انجام می‌دهد. اگر این‌گونه باشد، شورای‌عالی انقلاب فرهنگی باید بذیرفته باشد بخشی از اختیارات خود را از آنها صرف‌نظر کند. درست است؟

به نظر من صرف‌نظر کرده است؛ برای مثال سیاست‌های توسعه آموزش عالی در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی هم هست، ولی هرگز مداخله نکرده و خود وزارت علوم، سیاست‌های عتف و شورای گسترش در حال پیش‌بردن این مسائل هستند.

■ به‌این‌ترتیب سیاست‌گذاری هم جز، وظایف عتف می‌شود؟

اگر به شرح وظایف دقت کنید، ماده چهار که شرح وظایف و اختیارات شورای‌عالی عتف است، می‌گوید: اولویت‌بندی و انتخاب طرح‌های اجرائی بلندمدت، سرمایه‌گذاری کلان در بخش‌های آموزش، پژوهش و فناوری، بررسی و پیشنهاد منابع مالی مورد نیاز در حوزه‌های علوم تحقیقات و فناوری، شرح وظایف و اختیارات تفصیلی شورا در محدوده این قانون، نه به پیشنهاد وزیر علوم به تصویب هیات وزیران می‌رسد. درواقع شرح‌داخل‌حزب این شرح وظایف تفصیلی در دستور کار هیات وزیران است.

■ بنابراین عتف برای مجموعه علمی کشور راهبرد تعیین نمی‌کند؟

نکته همین بیشتر در متن درست است؛ ولی در عمل اتفاقات متفاوتی در حال وقوع است؛ یعنی اختلاف‌نظر بین وزارت علوم و شورای نگهبان روی کلمه سیاست‌گذاری بود. آنها معنی بودند از کلمه سیاست‌گذاری نباید استفاده کنید؛ چراکه سیاست‌گذاری در اختیار مجلس؛ بنابراین شما از این‌گونه اینن اولیه را با چیزی که تصویب شده است مقایسه کنید، متوجه می‌شوید کلمه سیاست‌گذاری از آن حذف شده است.

■ یعنی عمل سیاست‌گذاری انجام نمی‌شود؟

همین را می‌خواهم بگویم که عمل سیاست‌گذاری انجام می‌شود؛ مثلا شورای‌عالی انقلاب فرهنگی در سیاست‌های توسعه آموزش عالی مداخله‌گری و خود وزارت علوم و شورای عتف این کار را انجام می‌دهد. یا حتی در سیاست‌های پژوهشی و تعیین اولویت‌های پژوهشی، عتف ایفای نقش می‌کند. شورای‌عالی انقلاب فرهنگی؛ یا خودبه‌خود توسط وزارت علوم، یا بعد از جرا کنار آمده است و طرفین همدیگر را به رسمیت می‌شناسند و شورای عتف به وظایف خود عمل می‌کند و کار خود را جلو می‌برد.

■ آیا این به این دلیل است که رئیس دو شورا یک نفر است؟

یک دلیل این است و یک دلیل دیگر هم این است که مقام معظم رهبری هم خیلی تاکید دارند شورای‌عالی انقلاب فرهنگی باید اولویت خود را به مسائل فرهنگی بدهد؛ بنابراین آنجایی که شورای‌عالی انقلاب فرهنگی بلندمدت، مسائل سند اسلامی دانشگاه‌ها، از زاویه فرهنگی مداخله کرده و مقرراتی را کنکه تصویب کرده است، بیشتر جایگاهی غیراجرائی و اولویت‌دهنده به مسائل فرهنگی دارد و این موضوع تقریبا به عرف تبدیل شده است. هرکس وظایف خود را انجام می‌دهد؛ بنابراین می‌توانیم بگوییم اقدامات وزارت علوم درحال‌حاضر تجربی فراتر از آن است که در قانون نوشته شده است و تقریبا طرفین یکدیگر را درک می‌کنند.

■ شورای‌عالی علوم تحقیقات و فناوری تفویض کند یا از آنها صرف‌نظر کند. درست است؟

به نظر من صرف‌نظر کرده است؛ برای مثال سیاست‌های توسعه آموزش عالی در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی هم هست، ولی هرگز مداخله نکرده و خود وزارت علوم، سیاست‌های عتف و شورای گسترش در حال پیش‌بردن این مسائل هستند.

■ به‌این‌ترتیب سیاست‌گذاری هم جز، وظایف عتف می‌شود؟

اگر به شرح وظایف دقت کنید، ماده چهار که شرح وظایف و اختیارات شورای‌عالی عتف است، می‌گوید: اولویت‌بندی و انتخاب طرح‌های اجرائی بلندمدت، سرمایه‌گذاری کلان در بخش‌های آموزش، پژوهش و فناوری، بررسی و پیشنهاد منابع مالی مورد نیاز در حوزه‌های علوم تحقیقات و فناوری، شرح وظایف و اختیارات تفصیلی شورا در محدوده این قانون، نه به پیشنهاد وزیر علوم به تصویب هیات وزیران می‌رسد. درواقع درحال‌حاضر این شرح وظایف تفصیلی در دستور کار هیات وزیران است.

■ بنابراین عتف برای مجموعه علمی کشور راهبرد تعیین نمی‌کند؟

نکته همین بیشتر در متن درست است؛ ولی در عمل اتفاقات متفاوتی در حال وقوع است؛ یعنی اختلاف‌نظر بین وزارت علوم و شورای نگهبان روی کلمه سیاست‌گذاری بود. آنها معنی بودند از کلمه سیاست‌گذاری نباید استفاده کنید؛ چراکه سیاست‌گذاری در اختیار مجلس؛ بنابراین شما از این‌گونه اینن اولیه را با چیزی که تصویب شده است مقایسه کنید، متوجه می‌شوید کلمه سیاست‌گذاری از آن حذف شده است.

■ یعنی عمل سیاست‌گذاری انجام نمی‌شود؟

همین را می‌خواهم بگویم که عمل سیاست‌گذاری انجام می‌شود؛ مثلا شورای‌عالی انقلاب فرهنگی در سیاست‌های توسعه آموزش عالی مداخله‌گری و خود وزارت علوم و شورای عتف این کار را انجام می‌دهد. یا حتی در سیاست‌های پژوهشی و تعیین اولویت‌های پژوهشی، عتف ایفای نقش می‌کند. شورای‌عالی انقلاب فرهنگی؛ یا خودبه‌خود توسط وزارت علوم، یا بعد از جرا کنار آمده است و طرفین همدیگر را به رسمیت می‌شناسند و شورای عتف به وظایف خود عمل می‌کند و کار خود را جلو می‌برد.

■ آیا این به این دلیل است که رئیس دو شورا یک نفر است؟

یک دلیل این است و یک دلیل دیگر هم این است که مقام معظم رهبری هم خیلی تاکید دارند شورای‌عالی انقلاب فرهنگی باید اولویت خود را به مسائل فرهنگی بدهد؛ بنابراین آنجایی که شورای‌عالی انقلاب فرهنگی بلندمدت، سرمایه‌گذاری کلان در بخش‌های آموزش، پژوهش و فناوری، بررسی و پیشنهاد منابع مالی مورد نیاز در حوزه‌های علوم تحقیقات و فناوری، شرح وظایف و اختیارات تفصیلی شورا در محدوده این قانون، نه به پیشنهاد وزیر علوم به تصویب هیات وزیران می‌رسد. درواقع درحال‌حاضر این شرح وظایف تفصیلی در دستور کار هیات وزیران است.

■ بنابراین عتف برای مجموعه علمی کشور راهبرد تعیین نمی‌کند؟

نکته همین بیشتر در متن درست است؛ ولی در عمل اتفاقات متفاوتی در حال وقوع است؛ یعنی اختلاف‌نظر بین وزارت علوم و شورای نگهبان روی کلمه سیاست‌گذاری بود. آنها معنی بودند از کلمه سیاست‌گذاری نباید استفاده کنید؛ چراکه سیاست‌گذاری در اختیار مجلس؛ بنابراین شما از این‌گونه اینن اولیه را با چیزی که تصویب شده است مقایسه کنید، متوجه می‌شوید کلمه سیاست‌گذاری از آن حذف شده است.

■ یعنی عمل سیاست‌گذاری انجام نمی‌شود؟

همین را می‌خواهم بگویم که عمل سیاست‌گذاری انجام می‌شود؛ مثلا شورای‌عالی انقلاب فرهنگی در سیاست‌های توسعه آموزش عالی مداخله‌گری و خود وزارت علوم و شورای عتف این کار را انجام می‌دهد. یا حتی در سیاست‌های پژوهشی و تعیین اولویت‌های پژوهشی، عتف ایفای نقش می‌کند. شورای‌عالی انقلاب فرهنگی؛ یا خودبه‌خود توسط وزارت علوم، یا بعد از جرا کنار آمده است و طرفین همدیگر را به رسمیت می‌شناسند و شورای عتف به وظایف خود عمل می‌کند و کار خود را جلو می‌برد.

■ آیا این به این دلیل است که رئیس دو شورا یک نفر است؟

یک دلیل این است و یک دلیل دیگر هم این است که مقام معظم رهبری هم خیلی تاکید دارند شورای‌عالی انقلاب فرهنگی باید اولویت خود را به مسائل فرهنگی بدهد؛ بنابراین آنجایی که شورای‌عالی انقلاب فرهنگی بلندمدت، سرمایه‌گذاری کلان در بخش‌های آموزش، پژوهش و فناوری، بررسی و پیشنهاد منابع مالی مورد نیاز در حوزه‌های علوم تحقیقات و فناوری، شرح وظایف و اختیارات تفصیلی شورا در محدوده این قانون، نه به پیشنهاد وزیر علوم به تصویب هیات وزیران می‌رسد. درواقع درحال‌حاضر این شرح وظایف تفصیلی در دستور کار ه